

لغت‌های درس هشتم:

اثنا: میانه‌ها

در اثنای: در میان، در بین

اضطراب: پریشان‌حالی، بی‌تابی

تجاوز: از حدّ خود گذشتن، ستم و زورگویی

تأمل: اندیشه کردن، فکر کردن

شعور: درک و فهم

غفلت: بی‌خبری، ناآگاهی

حک کردن: تراشیدن، خراشیدن

قبور: جمع قبر، گورها

مصاحبت: هم‌نشینی، گفت‌وگو

فرصت: زمان مناسب

حیات: زنده بودن، زندگی

ان شاء الله: اگر خداوند بخواهد

بار و بندیل: اسباب و اثاثیه

بیتوته: شب را در جایی به سر بردن

رعنا: زیبا، خوش اندام

عازم: رهسپار

عمارت: ساختمان

عین: شبیه، مانند

عیال: خانواده، همسر

علاف: بیکار، سرگردان، بلا تکلیف

شوفر: راننده

غلات: جمع غله، گیاهانی مانند گندم، جو و ذرت

قراضه: کهنه، فرسوده

گوشزد کردن: یادآوری کردن، تذکر دادن، به اشاره فهماندن